

پس معلوم شد که در قصه های گذشتگان، فایده ای هست و خواننده و گوینده و شنونده را از آن فایده رسد. اگر پرسند که قصه خوانی، چند نوع است؟ بگوی دو نوع: اول حکایت گویی و دوم نظم خوانی.

معنی: پس مشخص شد که در داستان های گذشتگان، فایده های زیادی وجود دارد که خواننده و گوینده و شنونده از آن داستان ها، سود و فایده ی بسیاری می برند. اگر از تو پرسند که چند نوع قصه گویی داریم، بگو دو نوع: اول: خواندن حکایت و قصه و دوم: خواندن شعر.

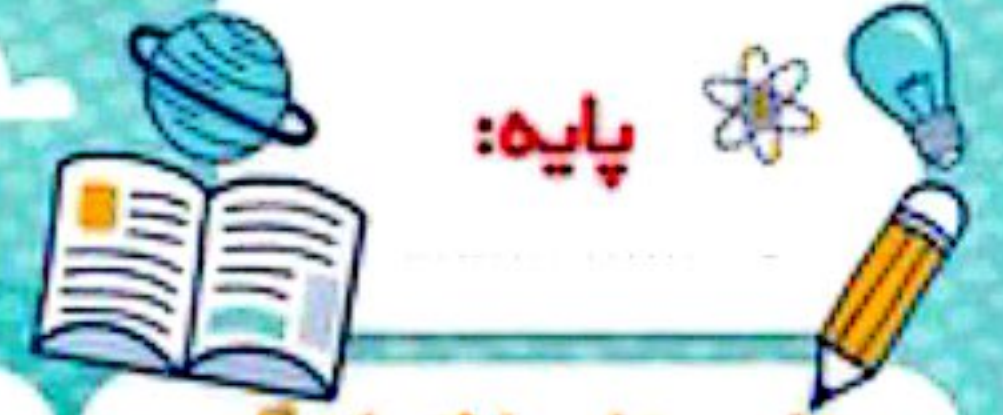
اگر پرسند که آداب حکایت گویان چند است؟ بگوی: اول آنکه قصه ای که ادا خواهد کرد، باید که بر اُستاد خوانده باشد و با خود تکرار کرده باشد تا فرو نماند.

معنی: اگر از تو پرسند قصه گویان به چه شکلی قصه ای را بیان می کنند؟ بگو: قبل از اینکه قصه ای را بیان کند باید آن را برای یک استاد بخواند و با خود تکرار بکند تا مشکلی پیش نیاید.

بازخورد:

Blank area for student response.





موضوع:

تاریخ

نام و نام خانوادگی

هدف:

دویم آنکه چُست و چالاک، به سخن درآید و خام نباشد.
معنی: دوم آنکه باید در سخن گفتن تند و تیز باشد و با تسلط کامل حکایت را بگوید و بی تجربه و نیخته نباشد.

سیم باید که داند که جماعت، لایق چه نوع سخن است، بیشتر، از آن گوید که مردم، راغب آن باشند. چهارم، نثر را وقت وقت، به نظم آراسته گرداند که بزرگان گفته اند: نظم در قصه خوانی چون نمک است در دیگ؛ اگر کم باشد، طعام بی مزه بُوَد و اگر بسیار گردد شور شود. پس اعتدال، نگاه باید داشت.

معنی: سوم آنکه باید بداند که برای چه گروهی، چه سخنی شایسته و مناسب است و بیشتر درباره‌ی آن موضوع سخن بگوید که مردم علاقه مند هستند. چهارم، نثر و نوشته‌ی خود را گاهی با شعر زیبا گرداند که بزرگان گفته اند: شعر در قصه گویی مانند نمک در غذا، لازم و ضروری است که اگر نمک کم باشد، غذا بی مزه می شود و اگر زیاد باشد، شور می شود؛ بنابراین باید میانه روی کرد.

Blank writing area with a dashed border.





موضوع:

تاریخ

نام و نام خانوادگی

هدف:

پنجم، سخنانِ محال و گزاف نگویند که در چشم مردم، سبک شود.

معنی: پنجم، سخنانِ غیرممکن و بیهوده نگویند زیرا در نگاه مردم، بی ارزش می شوند.

اگر پرسند که آداب نظم خوانی چند است؟

معنی: اگر بپرسند که شعر خوانی به چه شکلی است؟

بگوی: اوّل آنکه به آهنگ خواند.

معنی: بگو: اوّل این که باید با آهنگ و وزن بخواند.

دویم، سخن را در دل مردم بنشانند.

معنی: دوم آنکه، سخن (شعر) را اثرگذار بخواند تا برای مردم دل چسب باشد.

سیم، اگر بیتی مشکل پیش آید، شرح آن با حاضران بگوید.

معنی: سوم، اگر بیتی سخت بود، آن را برای شنوندگان توضیح دهد.

چهارم، چنان نکند که مُسْتَمِع، مَلول گردد.

معنی: چهارم اینکه شعر را به شکلی نخواند که شنونده آزرده و ناراحت شود.



موضوع:

تاریخ

نام و نام خانوادگی

هدف:

پنجم، صاحب آن نظم را در اوّل یا در آخر، یاد کند و فاتحه و تکبیر گوید.

معنی: پنجم، از آن شاعر (سر آینده‌ی شعر) در آغاز و پایان شعر یاد کند و برای شادی روحش فاتحه بخواند.

بازخورد:

Blank area for feedback with dashed border and horizontal lines.

